

وقتی "ایشان گران مکتبی" ماست ها را کیسه می کنند .

پاسداران دزد و چاقوکش و قداره بند، که هدفی جز دزدی و چپاول و آدمکشی نداشته اند، هوا را پس می بینند، دسته دسته میگریزند و اسلام عزیز ورشکسته و سرشکسته را تنها میگذارند، دسته های باقی مانده، از وحشت بر خود میلرزند، ریشهای خود را تراشیده اند و لباس مقدس پاسدا - ری را از تن درآورده اند، دیگر در خیابانها جولان نمیدهند .

کفگیر سپاه پاسداران اسلام به ته دیگ رسیده است . در روزنامه ها و رادیو و تلویزیون مرتباً از لومپنهای حزب الله - یعنی چاقوکشان و دزدان و آدمکشان و قوادان سابق شهرنو که دوران اقتدار شاه، چماقداران آریامهری و در زمان اقتدار خمینی، چماقداران نایب امام زمان بودند - میخوانند که به سپاه درهیم شکسته و وامانده ای اسلام ببینند . و این فراخوانها بی پاسخ میماند چرا که لومپن ها در زمان قدرت رژیمها بصورت چماق سرمایه متجلی میشوند و در زمان فروپاشی قدرت، فرار را بر قرار ترجیح میدهند .

روحانیت ماست ها را کیسه کرده است . مسئولان روحانی درجه اول، نه مانند گذشته در اتومبیلهای آخرین سیستم درباری، بلکه غالباً در آمبولانسها از یک نقطه به نقطه دیگر میروند و روحانیون مراحل پائین تر، بنا به اهمیت خود، بدون یک یا چند و یا چندین پاسدار، کوچکترین قدمی بر نمیدارند، درسخران - نی ها و مصالحه های آنها دیگر از آن هارت و پورت ها، خط و نشان کشیدنهای همین چند وقت پیش اثری نیست . وحشت از مرگ، در بند بند وجود و در کوچکترین خطوط چهره ای این ستایشگر شربت شهادت نمایان است . همین دزخیم معروف علی اکبرخان رفسنجانی را در نظر بگیرید و میبینید که از آنهمه هارت و پورت ها و آهن تلب های تا همین چند هفته پیش و دیگر اثری باقی نمانده و میبینید که این جسد سنگدل بارگاه خلافت خمینی تا چه حد حساس و سا زک دل شده که در یک

سخرانی چندبار به کریه می افتد . در این "لحظات تاریخی و دوران ساز برای اسلام عزیز"، نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای قرار از سرنوشت رجایی ها، بهشتی ها، باهنرها، قدوسی ها و... در آخر تابستان بفکر "تعطیلات تابستانی" (۱) "پانزده روزه افتاده اند .

روحانیون دسته دسته پستهای خود را در "سهادهای انقلابی" رها میکنند و به "حوزه های علمیه" باز میگردند تا جایی که روزنامه های جمهوری اسلامی در شماره ۱۴ شهریور ۶۰ خود، در صفحه اول تیتر درشت میزنند :

"در نماز جمعه دیروزم: آیت الله

مشکینی از روحانیون خواست بمنظور بازگشت به حوزه ها، مسئولیتشان را رها نکنند .

و در صفحه ۴ همین شماره، در نقل بیانات نماز جمعه آیت الله مشکینی چنین میخوانیم :

"از برادران روحانی تقاضا میکنم اگر زود بخوانند کارهایشان را اول کنند و خالصی نمایند و به حوزه ها برگردند، صحیح نیست .

وحشت "برادران روحانی" از نوشیدن "شربت شهادت" بحدیست که از اینگونه نمایش کاری ساخته نیست . کم کم "برادران روحانی" که هنوز "کارهایشان را ول" نکرده اند، ول کردن "لباس روحانیت" را آغاز کرده اند . یک نمونه از آن، عکس و خبری است که در روزنامه ای مورخ چهارشنبه ۱۱ شهریور در صفحه ۱۶ چاپ شده است که عیناً کلیشه میشود :

حجت الاسلام بنی جمالی شهید شد



مانگونه که در صفحه ۱۰ روزنامه امروز خبر داده ایم حجت الاسلام والمسلمین سید ناصر بنی جمالی عضو دادگاه مبارزه با منکرات به دستمال مزدور آمریکا در تهران به شهادت رسید. مگر حجت الاسلام بنی جمالی صبح امروز بمست ما رسیده که در اینجا چاپ کرده ایم .

اگر ا مکانات جایی ما نمیتواند کلیشه ای روشن و دقیقی از عکس حجت الاسلام بنی جمالی را ارائه دهد خواننده با مراجعه به همان شماره ای اطلاعات میتواند ندبجویی مشاهده کند که: حجت الاسلام سید ناصر بنی جمالی، معاون (نه "عضو") دادگاه مبارزه با منکرات، ریش خود را تراشیده است، بجسای عمادی سیاه، زلفهای پر پشت سیاه و بدقطن آرایش شده ای دارد، بجای عیای آخوندی پیراهن چهارخانه ای تابستانی و بقیه باز به تن کمرده است .